نگاهی به اصلاحات ضروری در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان

قانون حمایت از اطفال و نوجوانان نقطه عطفی در تاریخ حقوق کودکان به شمار می‌رود. قانونی با ۵۱ ماده و ۱۵ تبصره که از افراد زیر ۱۸ سال حمایت می‌کند و کارشناسان و فعالان حقوق کودک بر این باورند که علیرغم زمینه‌های کیفری و جرم‌انگاری و نوآوری‌هایی که در این قانون لحاظ شده، اما همچنان به اصلاحاتی نیاز دارد تا به شکل مؤثرتری از حقوق کودکان و نوجوانان حمایت کند.

این گروه‌های سنی، سرمایه‌های انسانی هر کشوری محسوب می‌شوند که با تکیه بر آنان، آینده جوامع ساخته می‌شود. حمایت از این سرمایه‌های انسانی، نقش انکارناپذیری در پرورش نبوغ و استعدادها دارد. بدین روی، قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب سال ۱۳۸۱ نخستین قانونی بود که به طور ویژه به حمایت از آنان پرداخت. پس از تجربه نسبتا موفق این قانون، ضرورت تصویب قانون جدید به همراه نوآوری‌هایی در راستای حمایت بیشتر از این قشر آسیب‌پذیر احساس شد و در نهایت قانون حمایت از کودکان و نوجوانان در سال ۱۳۹۹ تصویب و پس از تأیید شورای نگهبان به منصه اجرا گذاشته شد. علیرغم نوآوری‌ها و اتخاذ سیاست‌های پیشگیرانه مناسب و ضرورت تشکیل دفاتر حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان دادگستری، تعیین خط مشی و وظایف محوله در راستای حمایت از این اشخاص؛ خلأها و ابهاماتی در قانون مذکور وجود دارد. از جمله در ماده ۷ این قانون، مجازات در نظر گرفته شده تناسبی با جرم ندارد. در این ماده بیان شده هریک از والدین، اولیا یا سرپرستان قانونی طفل و نوجوان و تمامی اشخاص که مسئولیت نگهداری، مراقبت و تربیت طفل را برعهده دارند؛ چنانچه خلاف ماده ۲ قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و نوجوانان ایرانی مصوب ۱۳۵۳ ثبت نام و فراهم کردن موجبات تحصیل آنان تا پایان تحصیلات متوسطه امتناع ورزند یا به هر نحوی از تحصیل او جلوگیری نمایند به جزای نقدی درجه هفت (حبس از ۹۱ روز تا ۶ ماه، جزای نقدی بیش از ۱۰ میلیون ریال تا بیست میلیون ریال، شلاق از یازده تا سی ضربه و محرومیت از حقوق اجتماعی تا ۶ ماه) محکوم می‌شوند. آنچه در این ماده به وضوح مشخص است میزان مجازات مذکور است که جزای نقدی درجه هفت از بازدارندگی مناسبی برخوردار نبوده و به عبارت بهتر تناسبی بین جرم و مجازات وجود ندارد. از طرفی در این ماده رفتار مرتکب اعم از فعل و ترک فعل جرم‌انگاری شده که در خصوص نظارت بر عدم تحقق این بزه و پیشگیری از بزه معنونه، ضرورت ایجاب می‌کند اداره آموزش و پرورش به همراه مرکز آمار و اداره ثبت احوال هر شهرستان، سالانه آمار تعداد کودکان و نوجوانان واجد شرایط تحصیل را به دفاتر حمایت از اطفال و نوجوانان دادگستری ارائه نموده و علاوه بر این، اداره آموزش و پرورش باتوجه به بررسی اطلاعات دانش‌آموزان در مقاطع تحصیلی باید نسبت به پایش تعداد دانش‌آموزان و نظارت بر آنان اقدام و نتایج را سالانه در موعد مقرری به دفاتر حمایت اعلام نماید؛ تا این دفاتر در جهت نظارت بر اجرای بهتر این قانون، اقدامات لازم را انجام دهند، چنانچه اولیا و سرپرستان قانونی به رغم واجد شرایط بودن کودک و نوجوان، به ثبت نام او در مدارس اقدام نکنند یا کودک و نوجوانی ترک تحصیل کرده باشد از موارد شروع رسیدگی محسوب می‌شود.

همچنین در مواد ۴۳ و ۴۴ آیین‌نامه اجرایی ماده ۶ قانون حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان نیز به چگونگی اجرای این مهم پرداخته شده است. وزارت آموزش و پرورش در تمامی مدارس دولتی و غیردولتی نسبت به پایش مستمر وضعیت حضور دانش‌آموزان در طول سال تحصیلی اقدام می‌کند. در صورت شناسایی موارد مشکوک به ترک تحصیل ضمن بررسی موضوع و علت سنجی با همکاری دستگاه‌های ذیربط زمینه حضور مجدد و ادامه تحصیل دانش‌آموز فراهم می‌شود. در صورت ضرورت انجام اقدامات حمایتی با مداخله قضائی به جهت بزه دیدگی یا وضعیت مخاطره‌آمیز طفل و نوجوان؛ مدیر مدرسه ضمن اعلام مراتب به آموزش و پرورش منطقه یا ناحیه موضوع را فورا به سازمان بهزیستی یا دفتر حمایت از اطفال و نوجوانان دادگستری اعلام می‌کند. دستگاه‌های ذیربط در این زمینه مکلف به همکاری با وزارت آموزش و پرورش هستند.

با مداقه در ماده ۸ این قانون نیز، به نوعی معاونت در بزه جرم انگاری شده و مواردی همچون ترغیب، تهدید یا تشویق جهت فرار طفل یا نوجوان از منزل یا مدرسه و یا ترک تحصیل وی جرم انگاری و این اقدام در نوع خود اقدامی قابل ستایش محسوب می‌شود، اما در پایان این ماده قانونی اشاره شده به اینکه «در صورت عدم تحقق فرار یا ترک تحصیل، برای یا راول پلیس ویژه اطفال و نوجوانان اخطار داده و در صورت تکرار، فرد خاطی به مجازات فوق محکوم می‌شود»؛ اما این اقدام به چه طریقی است؟ آیا منظور این است که هیچ‌گونه پرونده و سوابق کیفری در دفاتر حمایت به ثبت نمی‌رسد؟ اخطار به چه صورت است؟ به عبارت بهتر قالب اخطار معین و واضح نیست. آیا پس از آن هیچ‌گونه نظارتی از سوی دفاتر حمایت بر عملکرد این فرد اعمال نمی‌شود؟ ماده مذکور به قدری ابهام دارد که نیازمند رفع ابهام جدی است.

ماده ۱۶ و خلأ قانونی

آن چیزی که خلأ قانونی ماده ۱۶ را به رخ می‌کشد، بحث جرم انگاری در اختیار قرار دادن یا فروش مواد دخانی به اطفال و نوجوانان یا به واسطه آنان است، اما بحث خرید و فروش و اعتیاد به مصرف مشروبات الکلی در این قانون جرم انگاری نشده و باید قانونگذار نسبت به جرم انگاری این موضوع اقدام جدی نماید. چراکه مصرف مشروبات الکلی دست‌سازبسیار شایع و مطابق آمارهای رسمی روزبه روز بر آن نیز افزوده می‌شود. البته در بند «ت» ماده ۳ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان در خصوص وضعیت مخاطره‌آمیز، عبارت ابتلا به یک از والدین، اولیا یا سرپرستان قانونی به اعتیادهای زیان‌آور نظیر مواد مخدر و روانگردان یا قمار آمده است که به نظر می‌رسد قصد قانونگذار از بیان عبارت اعتیاد، نظیر موارد مطروحه است که چنانچه ماده ۱۶ نیز با چنین عبارتی همراه بود، امکان کیفر و تعقیب متهمین به بحث خرید و فروش و اعتیاد به مصرف مشروبات الکلی نیز قابل توجیه بود. فارغ از این مطالب، در نظر گرفتن مجازات جزای نقدی درجه هشت (حبس تا سه ماه، جزای نقدی تا ۱۰ میلیون ریال، جزای نقدی سی میلیون ریال و شلاق تا ۱۰ ضربه) به هیچ عنوان از مصادیق بازدارندگی و اصلاح مجرم نخواهد بود.

کودکان و نوجوانان آینده سازان جوامع‌اند که کشورهای مختلف در راستای حمایت از آنان، قوانین مدونی تصویب و به منصه اجرا گذاشته‌اند و افزون بر آن، سازمان‌ها و ارگان‌های جهانی نیز با تصویب کنوانسیون‌های مختلف، مهر تأییدی بر تدابیر حمایت گونه کشورها زده‌اند. در قلمروی جمهوری اسلامی نیز قانون حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان در سال‌های متمادی دستخوش تغییرات و بازنگری‌های بسیاری بوده که در سال ۱۳۹۹ عصاره پژوهش‌ها و اقدامات مجلس در قالب قانون جدید تصویب شد. اما همانطور که اشاره شد، طی بررسی‌های صورت گرفته، قانون یادشده با خلأ و چالش‌هایی روبه‌رو است که ضرورت دارد قانونگذار نسبت به رفع این مسائل اقدام مناسب و درخوری داشته باشد.

بخش دیگری از خلأها و کاستی‌های این قانون در طومار سی‌ام فعالان حقوق کودک مطرح و در رسانه‌ها منتشر شده، از جمله عدم تعریف دقیق «طفل» و عدم ممنوعیت صریح بهره‌کشی اقتصادی از کودکان که در ادامه، این نواقص مورد واکاوی قرار گرفته است.

عدم تعریف دقیق «طفل»

سن بلوغ همواره محل اختلاف بوده است، اما قول مشهور شیعه در بلوغ سنی پسران، پانزده سال، و دختران ۹ سال قمری است. سن مورد قبول برای احراز بلوغ در قانون مدنی نیز به تبعیت از فقه شیعه، ۹ سال تمام قمری برای دختر، و پانزده سال قمری برای پسر دانسته شده است.

در قانون مدنی ایران نیز سن بلوغ شرعی، معیار قرارداده شده است؛ با این تفاوت که در مسائل مالی و کیفری، سن بلوغ را کافی ندانسته و احراز رشد شخص برای حکم به صحت اعمال حقوقی و تصرفات مالی وی، ضروری است، بدون آن که سن خاصی به عنوان اماره قانونی رشد، تعیین و تصریح شده باشد. عمل نظام حقوقی ایران، سن هجده سال را سن رشد پذیرفته است و افرادی را که به سن هجده سال تمام شمسی رسیده‌اند، رشید فرض کرده و اعمال حقوقی ایشان را صحیح برشمرده است.

با این حال در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، تعریف «طفل» مورد انتقاد فعالان حقوق کودک واقع شده است. طبق این قانون طفل به هر فردی اطلاق می‌شود که به سن بلوغ شرعی نرسیده در حالی که نوجوان فردی زیر هجده سال کامل شمسی است که به سن بلوغ شرعی رسیده باشد.

استفاده از مفهوم بلوغ شرعی در این قانون به ویژه برای اطفال یا کودکان می‌تواند پیامدهای منفی جدی داشته باشد. این مفهوم، که در میان فقهای شیعه و سنی تفاسیر متفاوتی دارد، فاقد یک تعریف واحد و مشخص است. تفاوت در تفاسیر مذهبی می‌تواند منجر به عدم قطعیت قانونی شود، زیرا قضات و مجریان قانون ممکن است براساس برداشت‌های شخصی یا مذهبی خود تصمیم‌گیری کنند.

در عین حال معیار بلوغ شرعی به طور عمده بر نشانه‌های فیزیکی متمرکز است و نمی‌تواند بلوغ عاطفی، روانی و اجتماعی فرد را به درستی در نظر بگیرد. این نقص می‌تواند منجر به تحمیل مسئولیت‌های بزرگسالی بر کودکانی شود که از نظر روانی و اجتماعی هنوز آمادگی آن را ندارند. همچنین، در بسیاری از تفاسیر، سن بلوغ شرعی برای دختران پایین‌تر از پسران در نظر گرفته می‌شود. بنابراین تعیین سن ۱۵ سال برای تعریف طفل می‌تواند این مشکل را مرتفع کند. این تغییر، ضمن حل مشکلات ناشی از استفاده از مفهوم مبهم بلوغ شرعی می‌تواند چارچوب قانونی شفاف‌تر و کارآمدتری را برای حمایت از کودکان فراهم آورد. تعیین سن ۱۵ سال به عنوان مرز تعریف طفل در درجه اول باعث ایجاد یک معیار ثابت و غیرقابل تفسیر می‌شود که خود از بروز تناقض‌ها در تصمیم‌گیری‌های قضائی و اجرایی جلوگیری می‌کند و اطمینان حاصل می‌شود که همه کودکان زیر ۱۵ سال، فارغ از جنسیت یا شرایط فردی، از حمایت‌های قانونی یکسانی برخوردار خواهند بود.

در نهایت، تعیین سن ۱۵ سال برای تعریف طفل می‌تواند از منظر آماری و برنامه‌ریزی نیز به اصلاح و گسترش دارد تا بتواند حمایت جامع‌تری از کودکان و نوجوانان به عمل آورد. لذا این اصلاح باید هرگونه به کارگیری کودک و نوجوان برخلاف قوانین موضوعه کشور را شامل شود و علاوه بر آن ترغیب، تشویق، و ادارسازی یا گمارد ن آنها به هرنوع فعالیت اعم از اقتصادی، اجتماعی، ورزشی، دینی و تربیتی را نیز در برمی‌گیرد.

نکته مهم دیگر در همین بخش توجه به فضای مجازی در کنار فضای واقعی است که با توجه به گسترش استفاده از اینترنت، ضرورت دارد. این اصلاح همچنین با حذف قید «غیرقانونی» امکان حمایت از کودکان را حتی در مواردی که قانون خاصی برای منع یک فعالیت وجود ندارد، فراهم می‌کند.

لزوم اصلاح تعریف بهره‌کشی اقتصادی

اگرچه در این بخش به شکل مستقیم به کودکان کار اشاره نشده، ولی به نوعی به صورت غیرمستقیم برخی مفاد این قانون به حمایت این دسته از کودکان اشاره دارد، ازجمله در ماده یک این قانون بهره‌کشی اقتصادی مطرح و به کارگیری کودکان برای تکدی‌گری، فروش مواد مخدر و امثال آن بهره‌کشی اقتصادی تعریف شده است. در ماده ۳ این قانون بهره‌کشی را نوعی وضعیت مخاطره‌آمیز دانسته و بر این اساس به دولت و نهادها اجازه دخالت در وضعیت مخاطره‌آمیز داده شده است. نکته قابل توجه این است که اصولا دولت حق دخالت در روابط خصوصی و روابط بین اشخاص و روابط خانوادگی را ندارد، به‌ویژه در نظام حقوقی ما که نهادهای ولایت و حضانت و به دنبال آن قیمومیت، روابط بین والدین و فرزندان و روابط خانوادگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، جایی برای دخالت دولت نیست و این یک قدم رو به جلو است که کسی نتواند با توسل به مفاهیمی مثل حریم خصوصی مرتکب اعمالی شود که کودک را در وضعیت مخاطره‌آمیز قرار دهد، با این حال در بند ث ماده یک قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، بهره‌کشی اقتصادی به صورت محدود تعریف شده است. این تعریف شامل به کارگیری غیرقانونی، وادار کردن یا گماردن کودک و نوجوان به کار یا خدمتی است که از لحاظ جسمی، روانی، اخلاقی یا اجتماعی برای آنها مضر یا خطرناک باشد. اما این تعریف نیاز به اصلاح و گسترش دارد تا بتواند حمایت جامع‌تری از کودکان و نوجوانان به عمل آورد. لذا این اصلاح باید هرگونه به کارگیری کودک و نوجوان برخلاف قوانین موضوعه کشور را شامل شود و علاوه بر آن ترغیب، تشویق، و ادارسازی یا گماردن آنها به هرنوع فعالیت اعم از اقتصادی، اجتماعی، ورزشی، دینی و تربیتی را نیز در برمی‌گیرد.

نکته مهم دیگر در همین بخش توجه به فضای مجازی در کنار فضای واقعی است که با توجه به گسترش استفاده از اینترنت، ضرورت دارد. این اصلاح همچنین با حذف قید «غیرقانونی» امکان حمایت از کودکان را حتی در مواردی که قانون خاصی برای منع یک فعالیت وجود ندارد، فراهم می‌کند.

روش‌های پیچیده‌تر و پنهان‌تر معامله کودکان

در بند ج ماده یک قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، معامله به عنوان خرید و فروش یا هرا قدام غیرقانونی تعریف شده که طی آن کودک یا نوجوان در ازای پرداخت وجه یا امتیاز در اختیار دیگری قرار می‌گیرد. این تعریف اگرچه پایه خوبی برای مقابله با سوءاستفاده از کودکان فراهم می‌کند، اما برخی از روش‌های پیچیده‌تر و پنهان‌تر معامله کودکان را به طور صریح پوشش نمی‌دهد.

اضافه کردن یک تبصره به این بند می‌تواند گام مهمی در جهت تکمیل و تقویت آن باشد. این تبصره باید به طور مشخص روش‌های صوری معامله کودک را نیز در حکم معامله قرار دهد. از جمله درباره اجاره کودک به عنوان نیروی کار در ازای پرداخت پول یا امتیاز به والدین یا سرپرست کودک.

افزودن این تبصره به قانون از چند جهت ضروری است. اولا، این تبصره خلأ قانونی موجود در مورد روش‌های غیرمستقیم و پنهان معامله کودکان را پر می‌کند. دوما، با تصریح برمواردی مانند اجاره کودک به عنوان نیروی کار، قانون می‌تواند به طور مؤثرتری با کار کودکان مقابله کند.

این اصلاح همچنین اجازه می‌دهد تا با دید حقوقی وسیع‌تری به موضوع معامله کودکان نگاه شود و در مواجهه با موارد پیچیده و غیرمستقیم، ابزار قانونی لازم برای برخورد با مجرمان فراهم شود.

بازتعریف معامله کودکان بر پایه روش‌های پنهان و غیرمستقیم

ماده ۳ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان در حال حاضر شرایطی را تعریف می‌کند که در آن یک کودک یا نوجوان در معرض خطر آسیب جسمی، روانی، اجتماعی، اخلاقی یا امنیتی قرار گرفته و نیاز به مداخله قانونی وجود دارد. این ماده دستکم در یک مورد نیاز به اصلاح جدی دارد؛ آن هم به کارگیری کودک برخلاف قوانین کار یا بهره‌کشی اقتصادی است.

ضرورت این اصلاح از آنجا ناشی می‌شود که استثمار اقتصادی کودکان می‌تواند به سلامت، تحصیل و رشد طبیعی آنها آسیب جدی وارد کند. این اصلاح می‌تواند چارچوب قانونی حمایت از کودکان را تقویت کرده و امکان مداخله زودهنگام و پیشگیری از آسیب‌های جدی را افزایش دهد.

اگرچه ممکن است چالش‌هایی در اصلاح این قانون به ویژه در مناطق سنتی وجود داشته باشد. همچنین، در بعضی مناطق ممکن است با مقاومت‌های فرهنگی روبه‌رو شود. با وجود این چالش‌ها، این اصلاحات می‌تواند گامی مهم در جهت تقویت حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان باشد و به بهبود وضعیت آنها در جامعه ایران کمک کند.

تشدید مجازات به کارگیری کودکان قاچاق شده

ماده ۱۳ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان در حال حاضر به مجازات افرادی می‌پردازد که مرتکب انتقال، خرید، فروش یا قاچاق اعضا و جوارح طفل یا نوجوان می‌شوند. پیشنهاد اصلاح این ماده شامل افزودن تبصره‌ای است که به موضوع به کارگیری کودکان و نوجوانان قاچاق شده به عنوان نیروی کار می‌پردازد. این تبصره پیشنهادی دو حالت را در نظر می‌گیرد: در صورت علم مرتکب به وضعیت کودکان و نوجوانان قاچاق شده، مجازات حبس درجه ۶ اعمال می‌شود و در صورت عدم آگاهی مرتکب، یکی از مجازات‌های درجه هشت قانون مجازات اسلامی در نظر گرفته می‌شود.

این پیشنهاد اصلاحی با تفکیک بین عمل آگاهانه و ناآگاهانه، می‌تواند به اجرای عادلانه‌تر قانون کمک کند. همچنین، با گسترش دامنه حمایت قانونی به بحث به کارگیری کودکان قاچاق شده به عنوان نیروی کار، جنبه‌های بیشتری از سوءاستفاده از این کودکان را پوشش می‌دهد. تعیین مجازات‌های مشخص در این تبصره می‌تواند اثربازدارندگی بیشتری داشته باشد و به طور خاص به مسئله استثمار کودکان در بازار کار می‌پردازد که یکی از چالش‌های مهم در حوزه حقوق کودکان است.

این اصلاحیه پیشنهادی می‌تواند به تقویت چارچوب قانونی برای حمایت از کودکان و نوجوانان قربانی قاچاق کمک کند. با این حال، برای اجرای موفق آن، آموزش مناسب به مجریان قانون، افزایش آگاهی عمومی، و همکاری بین نهادهای مختلف ضروری خواهد بود. این تغییرات می‌توانند گامی مهم در جهت بهبود حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان در برابر استثمار و سوءاستفاده باشد.

ضرورت تقویت نقش پلیس ویژه اطفال و نوجوانان

در قانون فعلی حمایت از اطفال و نوجوانان، به نقش پلیس ویژه اطفال و نوجوانان اشاره شده است. این قانون وظایفی همچون شناسایی کودکان و نوجوانان در وضعیت مخاطره‌آمیز، معرفی آنها به سازمان بهزیستی یا مراجع قضائی، تأمین امنیت مددکاران اجتماعی در مأموریت‌های مرتبط، و گزارش وضعیت‌های مخاطره‌آمیز جرائم علیه اطفال و نوجوانان را برعهده این واحد پلیس گذاشته است. همچنین، در مواردی مانند فرار یا ترک تحصیل کودکان، نقش اخطاردهنده به این پلیس محول شده است.

با این وجود و به دلیل اهمیت نقش پلیس ویژه اطفال و نوجوانان باید در این قانون تأکید شود تمامی مراحل رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان، از تحقیقات مقدماتی تا رسیدگی و اجرای حکم، باید منحصرا توسط این واحد تخصصی انجام شود. در صورت عدم دسترسی به پلیس ویژه، اولویت با نیروهای معمول پلیس خواهد بود. علاوه بر این، پیشنهاد جدید ورود سایر ضابطان قضائی به جرائمی که مرتکب آن از نظر سنی مشمول این قانون است را ممنوع می‌کند.

این اصلاحیه از این جهت ضروری است که تخصصی شدن رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان می‌تواند به کاهش چشمگیر آسیب‌های روانی و اجتماعی ناشی از فرآیند قضائی برای این گروه آسیب‌پذیر منجر شود. پلیس ویژه، با آموزش‌های تخصصی که دریافت کرده، قادر است با حساسیت و درک بیشتری با کودکان و نوجوانان برخورد کند، که این امر می‌تواند به حفظ کرامت و حقوق آنها در طول فرآیند قضائی کمک کند.

دوم، این اصلاحیه می‌تواند به ایجاد رویه‌ای یکپارچه و استاندارد در رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان منجر شود که خود آن هم به شناسایی بهتر الگوهای جرم و عوامل خطر در میان کودکان و نوجوانان کمک می‌کند.

در عین حال ممنوعیت ورود سایر ضابطان قضائی به این پرونده‌ها، ضمن تأکید بر اهمیت تخصص در این حوزه، می‌تواند از دخالت‌های احتمالی که ممکن است به ضرر کودک یا نوجوان باشد، جلوگیری کند. این امر می‌تواند به حفاظت بهتر از حقوق کودکان و نوجوانان در فرآیند قضائی هم یاری برساند.

علاوه بر این، تمرکز رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان در یک واحد تخصصی می‌تواند به جمع‌آوری داده‌های دقیق‌تر و جامع‌تر در این زمینه کمک کند. این اطلاعات می‌تواند برای تحقیقات آکادمیک، سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های آینده در حوزه حقوق کودکان و نوجوانان بسیار ارزشمند باشد.

اگرچه تشکیل پلیس اطفال و نوجوانان نیازمند سرمایه‌گذاری در آموزش نیروها و تأمین منابع است، اما پیامدهای مثبت آن در بلندمدت می‌تواند بسیار قابل توجه و نقطه عطفی در بهبود وضعیت حقوق کودکان و نوجوانان در نظام قضائی ایران باشد.

در نهایت اصلاحات پیشنهادی در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، اگرچه با چالش‌هایی روبه رو خواهد بود، اما می‌تواند نقطه عطفی در بهبود وضعیت حقوق کودکان و نوجوانان در ایران باشد. این تغییرات، از تعریف دقیق‌تر طفل تا تقویت نقش پلیس ویژه اطفال، نه تنها چارچوب قانونی محکم‌تری برای حمایت از کودکان فراهم می‌کند، بلکه می‌تواند به ایجاد جامعه‌ای عادلانه‌تر و امن‌تر برای نسل‌های آینده کمک کند.

برگ سبز و سند کمپانی سواری پژوپارس مدل ۹۸ به شماره پلاک ۲۶۶ن ۵۷ ایران ۲۰ و شماره موتور ۱۲۴K۱۴۰۶۷۳۲ و شاسی NAAN۰۱CE۱KH۲۲۱۷۷۰ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

مدرک فارغ التحصیلی اینجانب خانم بتول بهادریان پاریزی فرزند اکبر به شماره شناسنامه ۲۵۰۸ صادره از سیرجان به شماره ملی ۳۰۷۱۱۴۷۷۰۸ در مقطع کارشناسی رشته حقوق قضایی صادره از واحد دانشگاهی رفسنجان با شماره ۴۸۵۶۶۶ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد رفسنجان به نشانی انتهای بلوار مطهری ارسال نماید.

برگ سبز سواری پژو ۴۰۵ دوگانه سوز به رنگ نقره‌ای مدل ۱۳۸۶ به شماره موتور ۱۲۴۸۶۰۹۶۷۵۹ و شماره شاسی NAAC۹۱CC۰۹F۸۱۱۰۵۷۵ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز سواری کار سیستم هیوندای توسان مدل ۲۰۰۸ به رنگ نقره ای و شماره موتور G۶BA۷۶۱۰۱۵۱ و شماره شاسی KMHJN۸۱DP۸U۷۴۴۷۳۷ به شماره پلاک ایران ۲۳- ۲۲۷ص ۵۲ به نام قاسمعلی فصاحت مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز سواری پیکان تیپ ۱۶۰۰ مدل ۱۳۸۳ به رنگ سفید به شماره شاسی ۸۳۴۸۲۵۴۵ شماره موتور ۱۱۲۸۳۱۲۴۶۵۳ و شماره پلاک ۸۹۵د۷۱ ایران ۱۱ به نام محمدحسن نیازی ش ش ۴۸ گلپایگان مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز- برگ کمپانی سواری پراید جی تی ایکس مدل ۱۳۸۳ به رنگ آبی شماره موتور ۰۱۰۲۸۷۹۹ و شماره پلاک انتظامی ۴۷۴س۲۹ ایران ۳۳ به نام محمدعلی خطیبی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

اینجانب فاطمه حبیبی مالک سواری سمند ایکس ۷ به شماره شاسی ۱۴۵۳۴۹۸۶ و شماره موتور ۱۲۴۸۴۱۷۱۰۳۹ و شماره پلاک ۶۲۹ط ۱۷ ایران ۷۲ به علت فقدان اسناد فروش تقاضای رونوشت المثنی سند خودروی مذکور را نموده است لذا چنانچه احدی ادعایی در مورد خودروی فوق دارد ظرف مدت ده روز به دفتر حقوقی سازمان فروش ایران خودرو واقع در پیکانشهر ساختمان سمند مراجعه نمایند بدیهی است پس از مهلت مزبور مطابق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد.

سند مالکیت راهور (برگ سبز) سواری سمند ایکس ۷ به شماره انتظامی ۶۲۹ط ۱۷ ایران ۷۲ و شماره موتور ۱۲۴۸۴۱۷۱۰۳۹ و شماره شاسی ۱۴۵۳۴۹۸۶ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند موتورسیکلت جترو تیپ NF۱۵CC رنگ اصلی قرمز مدل ۹۴ به شماره پلاک ۸۳۷۱۶- ایران ۳۷۶ به شماره موتور ۱۴۹NCW۴۰۰۰۸۳ و شماره تنه NCW***۱۵۰P۹۴۱۰۵۲۳ به نام سلیمان عبداله وند مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

مدرک فارغ التحصیلی اینجانب محمدرضا عزیز زاده اندواری فرزند رمضان به شماره شناسنامه ۳۹۴۵ صادره از آمل در مقطع کارشناسی رشته تکنولوژی عمران - عمران صادره از واحد دانشگاهی محمودآباد با شماره ۴۰۷۶/ف م مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است. از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد محمودآباد به نشانی محمودآباد - روبروی شهرک صنعتی تشبندان ارسال نماید.

اینجانب عارف تیموری مالک سواری پژو ۴۰۵ به شماره موتور ۱۲۴۸۷۰۷۲۰۷۶ و شماره شاسی NAAN۰۱C۴۸E۳۷۱۷۰۵ به شماره پلاک ۲۷۲ب ۱۶ ایران ۹۲ علت فقدان اسناد فروش تقاضای رونوشت المثنی سند خودروی مذکور را نموده است لذا چنانچه احدی ادعایی در مورد خودروی فوق دارد ظرف مدت ده روز به واحد حقوقی سازمان فروش ایران خودرو واقع در پیکانشهر ساختمان سمند مراجعه نمایند بدیهی است پس از مهلت مزبور مطابق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد.

سند مالکیت راهور (برگ سبز) سواری پژو ۴۰۵ به شماره انتظامی ۲۷۲ب ۱۶ ایران ۹۲ و شماره موتور ۱۲۴۸۷۰۷۲۰۷۶ و شماره شاسی NAAN۰۱C۴۸E۳۷۱۷۰۵ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودرو کوئیک سواری هاچ بک مدل ۱۴۰۱ به شماره پلاک ایران ۷۲ - ۳۴۵ط ۲۵ وشماره موتور M۱۵۹۶۰۸۰۴۴ و شماره شاسی NAPX۲۱۲AAN۱۱۱۳۲۱۳ به نام منیژه علیزاده مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

گواهینامه موقت پایان تحصیلات دوره کاردانی پیوسته رسته الکترونیک اینجانب سجاد کاظمی فرزند محمد به شماره ملی ۱۹۶۰۲۸۲۲۷۱ متولد ۱۳۷۱ صادره از مسجدسلیمان در مقطع کاردانی پیوسته در تاریخ سال ۱۳۹۲ از دانشگاه آزاد -واحد سماء مسجدسلیمان فارغ التحصیل شده که مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به نشانی مسجدسلیمان : دانشگاه آزاد مسجدسلیمان واحد امور فارغ التحصیلان ارسال نماید.

اصل مدرک فارغ التحصیلی اینجانب رضا سلیمانی فرزند محمد دارای شماره شناسنامه ۲۵۴۶ صادره اندیمشک متولد ۱۳۶۴ به شماره کدملی ۱۹۳۰۹۸۱۵۴۶ در مقطع کاردانی رشته الکترونیک برق صنعتی صادره از واحد دانشگاهی اندیمشک به شماره ۱۲۹۰۲۷۹۰۱۱۱۴ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است. از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد اندیمشک به آدرس اندیمشک خیابان فرمانداری سابق دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرستان اندیمشک ارسال نماید.

سند کمپانی (فاکتور فروش) و برگ سبز (شناسنامه) متعلق به یک دستگاه خودروی وانت پیکان به رنگ سفید شیری روغنی مدل ۱۳۹۳ به شماره پلاک ۲۱۴ق ۲۷ ایران ۹۴ به شماره موتور ۱۱۸P۰۱۱۴۱۳۷ شماره شاسی NAAA۳۶AA۴EG۷۰۳۰۸۵ به نام آرش اقتدار بختیاری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند کمپانی (فاکتور فروش) متعلق به یک دستگاه تراکتور کشاورزی سیستم فرگوسن تیپ ۲۸۵ مدل ۱۳۸۰ به رنگ قرمز به شماره موتور LFW۶۴۸۴K به شماره شاسی TC۹۴۳۸ به نام شرکت تعاونی تولیدی امام خمینی (بمپور) مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودرو سمند مدل ۱۳۸۲ رنگ نقره ای به شماره پلاک ۳۸۵ج ۱۵ ایران ۱۹ به شماره شاسی ۸۲۲۲۲۳۰۴ و شماره موتور ۳۲۹۰۸۲۱۳۱۰۴ به نام محمدرضا عظیمی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز موتورسیکلت سیستم پیشرو تیپ زیپ استار ۲۰۰CC مدل ۱۳۸۸ به شماره موتور NCR۲۰۰۹۲۱۱۱۲۱۷ به شماره تنه NCR***۲۰۰C۸۸۵۴۵۶۱ و شماره پلاک ایران ۳۲۳- ۹۳۲۷۱ متعلق است به آقای ناصر ارسلو مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودرو پراید جی تی ایکس اف مدل ۱۳۸۴ به رنگ مشکی به شماره پلاک ایران ۵۶- ۶۳۵ط ۱۷ به شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۴۶۵۴۷۳۸ به شماره موتور ۰۱۲۹۶۶۵۰ به نام سیدعطاالله بابانی چگینی فرزند سیدستار مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز و شناسنامه مالکیت خودرو تراکتور کشاورزی ITM به رنگ قرمز مدل ۱۴۰۲ به شماره پلاک ۱۴۷ا ک ۷۵ ایران ۵۹ به شماره موتور MT۴A۲W۵۲۸۳۵L و شماره شاسی N۳HKTAD۲CPE۱۰۰۰۵۹ به نام آقای حبیب کوهساری فرزند خانگلدی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

کلیه اسناد و مدارک (اعم از سند کمپانی - برگ سبز و کارت ماشین) خودرو سواری پژو آردی آی ۱۶۰۰ مدل ۱۳۸۴ به شماره انتظامی ۹۵۲ب ۲۷ ایران ۱۷ به شماره موتور ۱۱۷۸۴۰۸۶۹۶۲ و شماره شاسی ۱۳۴۸۹۰۷۴ به مالکیت مریم ساکان مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودرو سواری پژو ۲۰۶ مدل ۱۳۹۴ به شماره انتظامی ۳۵۹ و ۶۳ ایران ۱۷ به شماره شاسی NAAP۴۱FD۵EJ۶۸۹۸۲۴ و شماره موتور ۱۶۳B۰۱۲۰۸۲۱ به مالکیت لیلا مرادی امینی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز اتومبیل سواری هاچ بک سایپا ۱۱۱SE مدل ۱۳۹۵ به شماره انتظامی ۶۵۷ط۷۶۴ ایران ۲۳ به شماره موتور M۱۳/۵۶۱۴۲۱۷ به شماره شاسی NAS۴۳۱۱۰۰G۵۸۶۶۸۵۴ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

پروانه کار به شماره ۳۱۰۲۳۰۰۰۲۰۶۳۰۱ به نام خلیل احمد عزیزی تابعیت افغانستان به شماره گذرنامه P۰۴۴۱۰۰۳۵ به شماره اختصاصی ۱۴۰۷۴۵۰۱۴۲۶۰ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

اصل برگ فروش کارخانه و برگ سبز خودرو سواری پراید ۱۳۱SE مدل ۱۳۹۴ به رنگ نوک مدادی به شماره موتور ۵۹